

گفتگوی مجله منظر با خوان مانوئل پالرم

«خوان مانوئل پالرم» در جریان همایش بین‌المللی زندگی پیاده در شهر میهمان همایش بود که مجله منظر در گفتگو با وی از تجربه‌ها، دیدگاه‌ها، رویکردها و برخوردهای ویژه او با منظر و مفهوم آن در پروژه‌های مختلف معماری و شهر پرسش کرد. خلاصه این گفتگو چنین است:

منظر در جزایر قناری شاهد هم‌نشینی فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون در کنار هم هستیم. با توجه به اینکه حوزه فعالیت‌های شما بیشتر در این منطقه است، به این تنوع‌ها چگونه در طراحی خود توجه می‌کنید و چگونه اطمینان حاصل می‌کنید که طرح برای همه مخاطبان آن مطلوب بوده و پاسخگوی سلیقه فرهنگی آنهاست؟

جزایر قناری نمونه کوچکی از کره زمین است و تنوع فرهنگی موجود در آن بخش جذاب این جزایر به‌شمار می‌آید. در پی گسترش جهانی شدن در تمام جنبه‌های زندگی، دستیابی به وحدت فرهنگی به آرزویی تبدیل شده است. در اینجا ما چندفرهنگی را در قالب فرهنگ واحد و نه مختلط و آشفته، به‌صورت وحدت در عین تکثر فرهنگی می‌بینیم که خرد فرهنگ‌های آن در کنار هم رشد می‌کنند. اینجا نمونه‌ای خوب از هم‌نشینی فرهنگ‌ها است. مطالعه جزایر ما را به این پاسخ رساند که چگونه می‌شود در عین تکثر فرهنگی، وحدت نیز داشت. یکی از اصول طراحی در این جزایر توجه بر اشتراکات فرهنگی و نه تفاوت‌هاست. با تأکید بر بخش مشترک در این تکثر فرهنگی ما طرحی خواهیم داشت که به همه سلیقه فرهنگی و اشتراکات فرهنگی موجود تأکید دارد. از دیگر راهکارهای ما که یکی از مسایل مطرحه در دوسالانه‌های جزایر قناری نیز بود نقد مداخلات انفرادی هنرمندان، معماران در طراحی مناظر این جزایر و تشویق آنها به طراحی تیمی بود.

منظر با توجه به اینکه شما اکثراً در پروژه‌های شهری به احیای طبیعت در شهر پرداخته و کمتر ساختار طبیعی جدیدی به آن الحاق کرده‌اید، آیا می‌توان اینگونه برداشت کرد که شما در پروژه‌های شهری بیشتر مرمت‌گر منظر طبیعی هستید؟


جایی که شهر ساختار طبیعی دارد اما به واسطه لایه‌های ساخت و ساز شده شهری پنهان و آسیب دیده‌اند، ترجیح بر این است که به‌جای افزودن ساختار سبز جدید، ساختار موجود را مریم کرد. از آنجایی که حوزه فعالیت من در جزایر






MANZAR's interview with Juan Manuel Palerm

Juan Manuel Palerm was a guest lecturer at the International Conference "The city, pedestrian life". Journal of Manzar conducted an interview with him on the sidelines of the conference during which he explained about his experiences, his viewpoints, and his professional approaches toward the concept of landscape and the applications of landscape in architecture projects. A summary of the interview is as follows:


 Considering that the Canary Islands – where you have currently focused your landscape design projects – hosts a variety of cultures, what do you do to satisfy the expectations of people in terms of technical architecture work?

The Canary Islands overall comprise a small sample of planet Earth and the diversity of cultures there is the interesting point about the Islands. Here we see diverse cultures as a unified culture and not a scattered mixture of cultures. In other words, culture is seen through the lens of unity even though the elements that comprise it are different. Overall, the cultures in the Canary Islands develop shoulder to shoulder with each other. In fact, the case of the Canary Islands is a good example of the co-existence of diverse cultures. Our studies resulted in a solution on how to preserve the unity among different cultures. In designing the landscape for the Islands, we tried to focus on the commonalities and not the differences. Another approach that we took – and was the subject of one of our biennials on the Canary Islands – was analyzing personal interventions of artists and architects in designing landscapes for the Islands and encouraging them to do teamwork over designing the landscapes.


 Given your urban projects, do you see yourself as mostly tasked with improving landscapes in cities?

As far as cities have a natural structure embedded inside them which have become hidden through time or in cases even damaged, the priority is to improve the existing structures instead of including new landscapes. I consider the existing landscape or the hidden landscape in any urban and architecture intervention. After exposing the existing landscape, I let it flow through the urban spaces in such a

way to be in harmony with the natural textures.

 You know that different sciences have already become specialized and new areas have emerged inside the discipline of landscape designing like designing urban landscapes and designing post-industrial landscapes. But you believe that the discipline of landscape design cannot be specialized. What can you tell us on that?


The discipline of landscape design comprises a form of communication with the environment and the spaces in which modern life is built. To me, there is no difference between an urban and an industrial project. What is important is to consider human values in projects and design the spaces in a way to satisfy the expectations of the society. It is also important to remain committed to the site and bring into attention the comprising elements of the landscape – even the smallest ones – when designing the landscape. I attach equal importance to the identification, the interpretation or parameters of landscape and their application in all landscapes. Therefore, I see no difference between a landscape in the city and another in nature.

 Is it possible to devise an approach for designing a mine landscape similar with an agricultural project in a way that it would envisage the simultaneous digging and re-using of the soil?


What is important in agricultural projects is merely the biological and environmental communication. However, when speaking about designing landscape, we are talking about a very complicated system. Here, the focus is on thinking about a strict coordination inside the system and not merely the digging of the ground and re-using the soil. A system is not only about communication between two stages. To the same degree, landscape is a nature-based system which is related to the territory, thought and culture of a particular nation. A system is necessary to understand landscape as a mechanism that can be interpreted and in which the existence of communication is as important as the lack of communication.

Special Thanks
March 2012

قناریست و این محدوده به لحاظ طبیعی غنی است و طبیعت و شهر در پدیده شگرف فرهنگی خاص آن منطقه، با یکدیگر تلفیق شده‌اند، در هر مداخله معمارانه و شهری، لایه منظری موجود و یا پنهان سایت، مورد توجه قرار می‌گیرد. در این برخورد، پس از آشکار ساختن ساختار سبزی موجود، به آن اجازه جریان یافتن در فضاهای معماری و هماهنگی اثر با بستر طبیعی سایت داده می‌شود؛ مانند بنیاد سزار ماتریک که اجازه داخل شدن طبیعت را به بنا داده و خود را با طبیعت آشفشانی سایت هماهنگ می‌کند. در فضای شهری جاده سانتوس، دره و مسیر آب آن را احیا کرده و به شهر و زندگی بازمی‌گرداند.

 امروز شاهد تشدید و تقویت گرایش تقسیم کار بین علوم مختلف و سربرآوردن رشته‌های جدید و میل به سمت گرایش‌ها و حوزه‌های خرد و تخصصی شدن علوم هستیم. در منظر هم حوزه‌های تخصصی مانند منظر شهری، منظر پساصنعتی، منظر معدنی مطرح شده است. اما شما در جایی اشاره کردید که به تخصصی شدن این رشته قابل نیستید و همه آنها را رشته واحد می‌بینید. این تفکر از چه چیزهایی نشأت می‌گیرد؟

منظر یک چیز است و آن پیرامون ماست. رویکرد یکی است. منظر یک نوع ارتباط با سرزمین پیرامون و فضاهای است که زندگی امروز در آنها ساخته می‌شوند. برای من فرقی بین پروژه معدنی یا شهری وجود ندارد. انسانی بودن پروژه و رضایتمندی او از فضای طراحی شده و همچنین وفاداری به سایت و توجه به عناصر سازنده منظرین آن حتی کوچکترین آنها و بهره‌مندی از آنها در طراحی مهم است. اهمیت شناخت، خوانش، تفسیر مؤلفه‌ها و عناصر منظر و کاربرد آنها در تمام مناظر برای من یکی است و به این ترتیب تفاوتی میان یک منظر در شهر و یا در طبیعت وجود ندارد.

 به عقیده شما آیا ممکن است در طرح‌ریزی پروژه‌های معدنی رویکردی مانند پروژه‌های زراعی داشت که حفاری و استفاده مجدد از خاک در آنها همزمان صورت می‌گیرد؟

در پروژه‌های زراعی صرفاً ارتباط بیولوژیکی و محیط‌زیستی مطرح است. اما وقتی صحبت از منظر و طراحی آن می‌شود ما با یک سامانه بسیار پیچیده مواجهیم. اینجا اندیشیدن درباره همزمانی در سامانه مطرح است نه فقط گودبرداری و بهره‌برداری مجدد. یک سامانه فقط ارتباط بین دو مرحله نیست. منظر نیز یک سامانه محیط زیستی است که به سرزمین، اندیشه و فرهنگ با سرزمین مرتبط است و یک سامانه به‌عنوان فضایی با توانایی خوانش و تفسیر که در آن ارتباط نداشتن به اندازه ارتباط داشتن مهم است.

بسیار سپاسگزاریم.
اسفند ۱۳۹۰